

## مادران آینده را در یابید

در بسیاری از جلسات مشاوره، با والدینی مواجه می شویم که به شدت از وضعیت ارتباطی خود و فرزندان نوجوانشان معترضند و اظهار می‌دارند که دوره و زمانه تغییر کرده است.



در بسیاری از جلسات مشاوره، با والدینی مواجه می شویم که به شدت از وضعیت ارتباطی خود و فرزندان نوجوانشان معترضند و اظهار می‌دارند که دوره و زمانه تغییر کرده است، آنها به هیچ وجه شرایط زندگی و اجتماعی را درک نمی کنند و بر طبق خواسته های خود تصمیم می گیرند و عمل می‌کنند و ما دیگر از پس آنها بر نمی‌آئیم. گاهی می پرسند آیا واقعا دچار شکاف نسل شده ایم و اندیشه ها متفاوت شده که ما حرف آنها را نمی فهمیم و یا آن که آنها بی منطق، خودسر و گستاخ شده اند که دیگر احترام به والدین را فراموش کرده اند و بر سر هر موضوع، چه ارزشمند و چه بی‌ارزش و پیش پا افتاده ما را تخطئه می کنند و دم از عدم درک و بی تفاوتی و تغییر دوره زمانه می زنند... ؟

این تنها بخشی از دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های خانواده هایی است که کودک خردسال دیروزشان بزرگ شده و حالا اندیشه هایی را برخلاف اصول اندیشه های خانواده بیان می دارد و متمایل و علاقه مند به آنها هستند و اصرار به رفتار کردن طبق آن اندیشه ها را دارد و آن چنان مسرّ به انجام آن به نظر می رسند که به خواسته ها و عقاید خانواده بی‌توجهی مشهودی دارند.

یکی از ابعاد این مشکل، در رابطه مادر و دختری است. بسیاری از مادران می گویند: علی رغم میل باطنی شان نمی‌توانند رابطه خوبی با دخترشان داشته باشند. آنها اظهار می‌دارند که آرزوی خوشبختی و بهروزی دخترشان را دارند و از هیچ کاری در این زمینه کوتاهی و قصور نمی‌کنند، اما با این حال، از نظر دخترشان این گونه نیست و آنها دقیقاً عکس این خواسته رفتار می کنند. بنابر تغییرات شگرف و تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی بسیاری از انتخاب‌ها چهره نوین و مدرنیته‌ای به خود گرفته‌اند و دخترها به خاطر نوع انتخاب خود در زمینه های مختلف همچون تحصیل، کار، ازدواج و ... مورد انتقاد مادرانشان قرار گیرند و در صورت توجه دختران به عقاید مادر و بروز هر اتفاق خوشایند و یا ناخوشایند، مادران مقصر و مسبب اصلی آن اتفاق قلمداد می گردند.

مادران در برخورد با فرزندان دختر و پسر خود به دو گونه متفاوت و دوسوگرا برخورد می نمایند و فرزندان خود بالاخص دختران را دچار تضاد و دوگانگی می کنند. مادران، پسران خود را به بی باکی، جسارت و موفقیت تشویق می کنند و به شدت حمایت همه جانبه از آنان می کنند اما در دیگر روی سکه، یعنی در برخورد با دخترانشان کاملاً برعکس عمل می‌کنند و از دختران خود می‌خواهند کاملاً واقع بین و محتاط باشند. این رفتار دقیقاً به خاطر تفاوت های جنسی و نقش و هویت‌های جنسی متفاوت است. خیلی از دختران نوجوان امروزه، این تضادها و تبعیض های مادرشان را تشخیص می‌دهند و شروع به تضادورزی و نافرمانی می کنند و علت این تضاد رفتاری را جستجو می‌کنند که این همان نقطه وضعیت بحرانی است که موجبات اختلاف و بگومگوها را فراهم می سازد.

مادران در برخورد با فرزندان دختر و پسر خود به دو گونه متفاوت و دوسوگرا برخورد می نمایند و فرزندان خود بالاخص دختران، را دچار تضاد و دوگانگی می کنند

همان طور که می‌دانید؛ اگر نگوییم نسبت به چند نسل گذشته، باید به تحقیق بگوییم همین چند دهه پیشتر، زنجیره اعتقادات فکری و عملی افراد تا حدود بسیار زیادی متحول و دگرگون شده است و نقش های جنسی دختران و پسران در زمینه های مختلف همپوشانی بسیاری پیدا کرده است که این خود در مقابل اندیشه های پیشینیان قرار می گیرد؛ دچار سوء برداشت نشوید ما قصد آن نداریم که بگوییم کدام اندیشه برتر و صحیح تر است و کدام اشتباه و فرومایه. ما تنها خواهان آنیم که خانواده ها را به میانه روی و رعایت حد اعتدال تضاد سنت و مدرنیته دعوت نماییم؛ نمی گوییم صرف سنت درست است و یا مدرنیته ارجح است بلکه می گوئیم هر دو عقیده از مزایا و ارزشمندی‌های خاص خود برخوردارند که بهتر است با همفکری و مشورت دو نسل، بهترین ها را مختلط نماییم و اندیشه ای را که همپوشانی با آن دو عقیده دارد را برگزینیم که این خود اندیشه ای، دست نایافتنی است و این در صورتی است که هر نسلی، درایت خود را برترین بداند و به دنبال حل مسئله نباشد.

برای تغییر سنت های خانوادگی خود و عادات رفتاری های چند نسلی مسیری بسیار سخت را باید پیمود. با توجه به روحیه عاطفی و لطیف جنس مونث و اثرات و خسران‌های جبران ناپذیر در این جنس، که تبعات آن ممکن است تا سالیان مدیدی نیز نمود داشته باشد و حتی به جرات می توان گفت تربیت نسل آینده نیز در خطر است و ممکن است عدم تدبیر کنونی ما بی هویتی و لاابالی نسل آینده را نیز در پی داشته باشد، لازم است تدابیری را مطرح نماییم تا اندکی از تبعات "بحران خودسری و بی هویتی" که به تازگی نام

"استقلال اندیشه و ترجیحات رفتاری من" به خود گرفته است، جلوگیری شود. لازم به ذکر است نقش هر دو والد در آموزه های تربیتی بسیار مهم است ولی از آنجایی که مادران در همانند سازی و همنوایی دخترانشان نقش بسزایی دارند در این مقاله به ذکر این مهم اکتفا می نمائیم.

مادران در تربیت و در رابطه با دخترنوجوانشان بهتر است، راهبردهای ذیل را مد نظر داشته باشند:

\* به تفاوت های جنسیتی مشهود در هر دو جنس آگاهی داشته باشید و با مطالعه و یا با کمک از یک مشاور از خصیصه ها و دلمشغولی های های ذهنی یک دختر نوجوان کسب اطلاع نمائید.

\* همانند دوران کودکی اش، مادر نگهدار و نگران و پشتیبانش باشید و خود را دوست دوران هویت یابی و سرکشی و تجربه های جدیدش قلمداد نمائید. به دیگر سخن، نوجوانی خود را به نوع دیگر و خود خواسته همراه با نوجوان چند سال جوانتر و بانشاط تر از خود تجربه کنید.

\* خجالت کاذب را با شرم و حیا اشتباه نگیرید و با دخترتان با توجه به شرایط سنی اش، در مورد بلوغ و رابطه جنسی صحبت کنید و آگاهی جنسی دهید و حتی در مواقع لزوم او را با صفات اخلاقی مردان و دیدگاه آنان به اسرار زنانگی مطلع سازید و از انحرافات اخلاقی که در این باب بر اساس احساس و عواطف آتشین زودگذر پدید می آید، هشدار دهید.

\* علاوه بر نقش مادری، یکی از دوستان صمیمی اش هم باشید، از او بخواهید اگر متمایل بود، حاضرید به دلمشغولی ها، احساسات و دلبستگی های او گوش دهید؛ که به موجب این تدبیر ماهرانه شما خواهید توانست به طور مستقیم و به گونه ای که موجب تکدر خاطر وی نشود او را در کنترل خود داشته باشید و از شرایط ناخواسته و بحرانی که در این سن اجتناب ناپذیر هم به نظر می رسد مطلع گردید و تا دیر نشده به یاریش بشتابید.

\* برخی از مادرها سعی می کنند دخترنوجوان و جوانشان را تشویق کنند تا به اهداف و آمال دست نیافتنی آنان جامه عمل بپوشانند و یا خود را در زندگی دخترشان غوطه ور کنند. در مواقع این چنینی دو رفتار مکمل قابل انتظار است، ممکن است دختر برای محافظت از هویت خود، با مادر مقابله کند و خواستار حریم و استقلال خود باشد و یا ممکن است شخصیتی مشابه مادر پیدا کند و امکان دسترسی به هویت خود را از دست بدهد .

\* دخترهای نوجوان دوست دارند مادرشان آنها را به خاطر آنچه که هستند دوستشان داشته باشند، نه به خاطر کاری که می خواهند انجام دهند و یا اینکه کسی در آینده شوند و... بدین جهت به دخترانتان گوش دهید و تاییدشان کنید.

\* دختران حمایت های مادرشان را دوست دارند نه کنترل کردن آنها را، و بیشتر قدردان مراقبت های مادرشان هستند تا انتقادهای آنها.

\* اکثر دختران متمایل به استقلال عمل و اندیشه هستند و دوست ندارند کودک باقی بمانند و در پی روش هایی برای اثبات آن هستند و سوالاتی همچون موارد ذیل را می پرسند و در پی پاسخ آن هستند.

چرا همیشه باید به دنبال تایید مادرم باشم؟ چه کار کنم مادرم مرا بعنوان یک بزرگسال بپذیرد؟ و...